

Biomass and carbon stock in deadwood, litter, and soil of Persian oak (*Quercus brantii* Lindl.) stands in Lordegan County, Iran

Yaghoub Iranmanesh ^{1*} and Mohammad Kazem Parsapour ²

- 1* - Corresponding author, Associate Prof., Department of Natural Resources Research, Agricultural and Natural Resources Research and Education Center of Isfahan Province, ARREO, Isfahan, Iran. Email: y_iranmanesh@yahoo.com
2. Postdoctoral Researcher, Department of Natural Resources Research, Agricultural and Natural Resources Research and Education Center of Chaharmahal and Bakhtiari Province, ARREO, Shahrekord, Iran

Received: 29.03.2024

Accepted: 06.07.2024

Abstract

Background and Objective: Zagros forests, as one of Iran's most important carbon sinks, play a crucial role in maintaining ecosystem balance and the carbon cycle. Given the increasing threats to these forests, accurately identifying and assessing carbon stocks in various forest components, such as deadwood, litter, and soil, is particularly important. This study aims to investigate how the stand form (high forest and coppice) of Persian oak (*Quercus brantii* Lindl.) affects biomass and carbon stock in deadwood, litter, and soil in the Atashgah forest area of Lordegan County in Chaharmahal and Bakhtiari Province, Iran. The goal is to provide more accurate data to support better and more sustainable management of these vital ecosystems.

Methodology: This study evaluated the aboveground biomass and carbon stocks of deadwood, litter, and soil in high forest and coppice of Persian oak trees in the Lordegan forest zone. The study area, covering 90 hectares, is located in the central Zagros plateau and is predominantly characterized by Persian oak vegetation. Thirty random sample plots of 1000 square meters each were established to select sample trees. Within each plot, the nearest tree to the center that fell within the desired diameter class was chosen, ensuring samples were collected across different diameter at breast height (DBH) classes for single-stem trees and different crown diameter classes for coppice shoots. Following this procedure, 16 single-stem and 14 coppice trees were randomly selected and marked for measurement. The selection aimed to quantify the amount of standing deadwood in the form of dried branches present in the investigated trees. Litter and soil samples were collected from a depth of 0 to 30 centimeters beneath each tree. A computational formula based on carbon concentration, bulk density of the soil, sampling depth, and the percentage of coarse fragments was used to measure soil organic carbon. The collected samples were transferred to the laboratory for determination of dry weight and carbon content, following standard methods for measuring the percentage of organic carbon in plant and soil samples.

Results: The findings showed that standing deadwood in high forest trees had significant statistical differences among various diameter classes, while fallen deadwood did not exhibit such differences. The highest values of standing deadwood biomass were observed in the 30-40 cm diameter class. In contrast, in coppice shoots, fallen deadwood biomass showed significant statistical differences among different crown diameter classes. However, the difference in standing deadwood biomass between different crown diameter classes of coppice shoots was insignificant. A comparison between high forest and coppice revealed that standing deadwood biomass in high forest trees exceeded that in coppice. Additionally, the average carbon sequestration of deadwood in the study area was calculated as 0.171 tons per hectare. No significant statistical differences were observed in soil carbon, nitrogen, and phosphorus content between high forest and coppice bases. A high correlation coefficient of 0.94 was observed



between soil carbon and nitrogen, while no significant correlation was found between soil carbon and phosphorus. The carbon content of litter did not show significant statistical differences between high forest and coppice in the study area. Overall, the average carbon sequestration of litter in the study area was estimated as 0.327 tons per hectare.

Conclusion: Despite considerable attention to aboveground and belowground carbon stocks in forest ecosystems, carbon stored in deadwood has received less emphasis. However, deadwood can represent a significant portion of forest carbon reserves. Dominant tree species and structural characteristics of the forest, such as population density, diameter at breast height, and tree height, are important factors in determining aboveground biomass and carbon storage. This study identified the average quantitative differences between high forest and coppice trees as the main reasons for differences in aboveground biomass and carbon storage in standing and fallen deadwood. Furthermore, the impact of disturbances and human interventions on the reduction of soil carbon stocks was examined. The study found that soil carbon stocks were similar in both growth forms, which was related to the similarity in litter volume in the two habitats. This research highlights the importance of carbon storage in deadwood, litter, and soil and its impact on forest ecosystems, contributing to improved forest management and biodiversity preservation.

Keywords: Aboveground biomass, fallen deadwood, growth form, standing deadwood, Zagros.



ارزیابی زی توده و اندوخته کربن خشک‌دار، لاشبرگ و خاک در توده جنگلی برودار (*Quercus brantii* Lindl.) در شهرستان لردگان

یعقوب ایران‌منش^{۱*} و محمد کاظم پارساپور^۲

*- نویسنده مسئول، دانشیار پژوهش، بخش تحقیقات منابع طبیعی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان اصفهان، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، اصفهان، ایران. پست الکترونیک: y_iranmanesh@yahoo.com

۲- پژوهشگر پسادکتری، بخش تحقیقات منابع طبیعی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان چهارمحال و بختیاری، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شهرکرد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

چکیده

سابقه و هدف: جنگل‌های زاگرس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ذخیره‌گاه‌های کربن در ایران، نقش حیاتی در تعادل بوم‌سازگانی و چرخه کربن دارند. با توجه به تهدیدهای فزاینده‌ای که این جنگل‌ها با آن‌ها مواجه هستند، شناخت و ارزیابی دقیق اندوخته کربن در اجزای مختلف جنگل از جمله زی توده خشک‌دار، لاشبرگ و خاک، اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش پیش‌رو به بررسی تأثیر فرم رویشی (دانه‌زاد یا شاخه‌زاد) برودار (*Quercus brantii* Lindl.) بر زی توده و اندوخته کربن خشک‌دار، لاشبرگ و خاک در جنگل‌های آتشگاه لردگان واقع در استان چهارمحال و بختیاری می‌پردازد. نتایج این پژوهش با ارائه داده‌های دقیق‌تر می‌تواند به مدیریت بهتر و پایدارتر این بوم‌سازگان‌های حیاتی کمک کند.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با هدف ارزیابی زی توده و اندوخته کربن خشک‌دار، لاشبرگ و خاک درختان برودار دانه‌زاد و شاخه‌زاد در منطقه جنگلی آتشگاه لردگان انجام شد. منطقه مورد مطالعه با وسعت ۹۰ هکتار در فلات مرکزی زاگرس قرار دارد و تیپ غالب پوشش گیاهی آن، برودار است. به‌منظور انتخاب پایه‌های مورد بررسی، ۳۰ قطعه نمونه ۱۰۰۰ مترمربعی به‌طور تصادفی انتخاب شد. در هر قطعه نمونه، نزدیک‌ترین درخت به مرکز قطعه نمونه که در طبقه قطری مورد نظر قرار داشت، انتخاب شد. به‌طوری‌که در طبقه‌های مختلف قطر برابر سینه در درختان دانه‌زاد و طبقه‌های مختلف قطر تاج در درختان شاخه‌زاد، نمونه مورد نیاز وجود داشته باشد. بدین ترتیب در فرم رویشی دانه‌زاد، ۱۶ پایه و در فرم شاخه‌زاد، ۱۴ پایه به‌طور تصادفی انتخاب و نشانه‌گذاری شدند. انتخاب پایه‌ها به‌منظور اندازه‌گیری مقدار خشک‌دارهای ایستاده موجود در درختان مورد بررسی که در قالب شاخه‌های خشک‌شده وجود داشتند، انجام شد. لاشبرگ و نیز نمونه‌های خاک از عمق صفر تا ۳۰ سانتی‌متر زیر هر درخت جمع‌آوری شدند. برای اندازه‌گیری کربن آلی خاک از رابطه محاسباتی مبتنی بر غلظت کربن، وزن مخصوص ظاهری خاک، عمق نمونه‌برداری و درصد قطعه‌های بزرگ استفاده شد. نمونه‌های جمع‌آوری‌شده برای تعیین وزن خشک و مقدار کربن به آزمایشگاه منتقل شدند. از روش‌های استاندارد برای اندازه‌گیری درصد کربن آلی نمونه‌های گیاهی و خاک استفاده شد.

نتایج: یافته‌های مربوط به درختان دانه‌زاد نشان داد که زی توده خشک‌دار ایستاده بین طبقه‌های مختلف قطر برابر سینه، اختلاف معنی‌داری داشت، در حالی که در خشک‌دارهای افتاده، چنین تفاوتی مشاهده نشد. بیشترین زی توده خشک‌دار این درختان در طبقه قطری ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر مشاهده شد. در مقابل، در درختان شاخه‌زاد، زی توده خشک‌دار افتاده در طبقه‌های مختلف قطر تاج، اختلاف معنی‌داری داشت، اما تفاوت زی توده خشک‌دار ایستاده بین طبقه‌های مختلف قطر تاج درختان شاخه‌زاد، غیرمعنی‌دار بود. مقایسه بین درختان دانه‌زاد و شاخه‌زاد نشان داد که زی توده خشک‌دارهای ایستاده در درختان دانه‌زاد، بیشتر از درختان شاخه‌زاد بود. همچنین، مقدار متوسط اندوخته کربن خشک‌دارها در منطقه مورد مطالعه ۰/۱۷۱ تن در هکتار محاسبه شد. تفاوت معنی‌داری در مقدار کربن، نیتروژن و فسفر خاک بین فرم‌های رویشی دانه‌زاد و شاخه‌زاد مشاهده نشد. همبستگی زیادی بین کربن و نیتروژن خاک



با ضریب تبیین ۰/۹۴ مشاهده شد، درحالی که کربن و فسفر خاک، همبستگی قابل توجهی باهم نداشتند. کربن لاشبرگ در زیر درختان دانه زاد و شاخه زاد، تفاوت معنی داری نداشتند. در مجموع، مقدار متوسط اندوخته کربن لاشبرگ در منطقه مورد مطالعه ۰/۳۲۷ تن در هکتار به دست آمد.

نتیجه گیری کلی: با وجود توجه زیاد به زی توده و اندوخته کربن روی زمینی در بوم سازگان های جنگلی، به زی توده خشک دارها کمتر توجه شده است، درحالی که خشک دارها می توانند بخش قابل توجهی از کربن جنگل را در خود ذخیره کنند. گونه های غالب درختی و ویژگی های ساختاری جنگل از جمله جمعیت، قطر برابر سینه و ارتفاع درختان، عوامل مهمی در تعیین میزان زی توده و ذخیره سازی کربن هستند. در این پژوهش، تفاوت های میانگین مشخصه های کمی درختان دانه زاد و شاخه زاد به عنوان دلایل اصلی تفاوت در زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده شناسایی شدند. همچنین، تأثیر دخالت های انسانی بر کاهش زی توده روی زمینی بررسی شد. مقدار کربن آلی خاک در دو فرم رویشی مشابه بود که این موضوع به مشابهت حجم لاشبرگ در دو رویشگاه نسبت داده شد. این پژوهش به واکاوی اهمیت زی توده و اندوخته خشک دار، لاشبرگ و خاک و تأثیر آن بر بوم سازگان های جنگلی می پردازد و می تواند در بهبود مدیریت جنگل ها و حفظ تنوع زیستی استفاده شود.

واژه های کلیدی: خشک دار ایستاده، خشک دار افتاده، زاگرس، زی توده، فرم رویشی.

مقدمه

جنگل ها، یکی از ذخیره گاه های بزرگ کربن زمین محسوب می شوند که حدود ۸۰ درصد از کل زی توده روی زمین را در خود ذخیره کرده اند (Mo et al., 2023). ناحیه رویشی زاگرس، نزدیک به یک پنجم خاک کشور و نیز همه یا بخشی از ۱۱ استان کشور را در برمی گیرد (Hanafi-Bojd et al., 2020). امروزه حوزه رویشی زاگرس در میان حوزه های پنج گانه رویشی جنگل در ایران به عنوان کانون بحران محیط زیستی مطرح است. زاگرس در مواجهه با روند فزاینده تهدیدات طبیعی و انسانی با تغییرات مهمی از نظر کمی و کیفی روبرو شده است (Azizi et al., 2022). این جنگل ها علی رغم شرایط خاص محیط زیستی و بوم شناختی، نقش مهمی در چرخه و جریان کربن ایفا می کنند، بنابراین تعیین اندوخته کربن روی زمینی، خاک و لاشبرگ به عنوان مهم ترین اجزاء دربردارنده ذخیره کربن در بوم سازگان های جنگلی و بررسی روند تغییرات آنها می تواند نقش مهمی در برنامه ریزی های مدیریتی داشته باشد (Pan et al., 2011). در مدیریت پایدار منابع جنگلی و بررسی جریان انرژی در بوم سازگان، برآورد زی توده و اندوخته کربن درختی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مدیران جنگل برای برنامه ریزی در سطوح عملیاتی و راهبردی به شدت بر

برآورد دقیق زی توده تأکید دارند (Zianis et al., 2005). به طور کلی، پنج مخزن اصلی کربن برای جنگل معرفی شده است که شامل زی توده روی زمینی (Above-ground Biomass)، زیرزمینی (Below-ground Biomass)، لاشبرگ (Litter)، خشک دارها (Dead Woods) و کربن آلی خاک (Soil Organic Carbon) هستند (IPCC, 2003). ذخیره کربن در بوم سازگان های جنگلی اغلب شامل ذخیره کربن در پوشش گیاهی، خاک و لاشبرگ است (Lee et al., 2014; Hérault & Piponiot, 2018; Lafleur et al., 2018). گزارش پروتکل کیوتو تحت کنوانسیون چهارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا، ذخایر کربن را علاوه بر زی توده روی زمین و زیرزمین، به طور جداگانه در خشک دارها، لاشبرگ و خاک نیز تعیین کرده است (IPCC, 2007). Liu و Sun (۲۰۲۰) بیان داشتند که عمده پژوهش های انجام شده در زمینه روش های برآورد اندوخته کربن در بوم سازگان های جنگلی بر سه موضوع اصلی ذخیره کربن پوشش گیاهی، خاک و لاشبرگ متمرکز شده اند. از کل کربن ذخیره شده در جنگل به طور متوسط حدود ۴۲ درصد در زی توده گیاهی زنده، ۴۹ درصد در خشک دار و بقیه (۴۹ درصد) در لاشبرگ و خاک انباشته شده است (Pan et al., 2011).



جنگل‌های کبک کانادا به این نتیجه رسیدند که در جنگل‌های تولیدی این کشور به‌طور متوسط ۳۷/۶ تن در هکتار اندوخته کربن روی‌زمینی وجود دارد که در مقایسه با جنگل‌های مشابه کمتر است. Daba و همکاران (۲۰۲۲) در بررسی اندوخته کربن در جنگل‌های مرطوب همیشه‌سبز ایتوبی، میانگین اندوخته کربن روی‌زمینی را ۲۰۳/۸ تن در هکتار به‌دست آوردند.

امروزه، شاهد افزایش خشکیدگی و انباشت خشک‌دارها در جنگل‌های بلوط زاگرس هستیم. با توجه به این موضوع، هنوز اطلاعات جامعی در ارتباط با مقدار زی‌توده و اندوخته کربن آن‌ها در این جنگل‌ها در دسترس نیست. فقط در پژوهش Sarvazad و همکاران (۲۰۲۲)، تغییرات ذخیره کربن خشک‌دار درختان برودار (*Quercus brantii* Lindl.) در ارتباط با عوامل فیزیوگرافی در رویشگاه جنگلی قالجبه در استان کرمانشاه بررسی شد، اما پژوهش‌ها در بررسی مقدار تغییرات ذخایر کربن خشک‌دارهای افتاده و ایستاده در فرم‌های رویشی مختلف برودار در جنگل‌های غرب کشور مشهود نیست. در پژوهش پیش‌رو، به‌منظور درک تأثیر فرم رویشی توده جنگلی (دانه‌زاد یا شاخه‌زاد) بر جریان کربن در بوم‌سازگان، مقایسه‌ای از زی‌توده و اندوخته کربن خشک‌دارها (ایستاده و افتاده)، لاشبرگ و کربن آلی خاک گونه ارزشمند برودار در جنگل‌های استان چهارمحال و بختیاری انجام شد.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

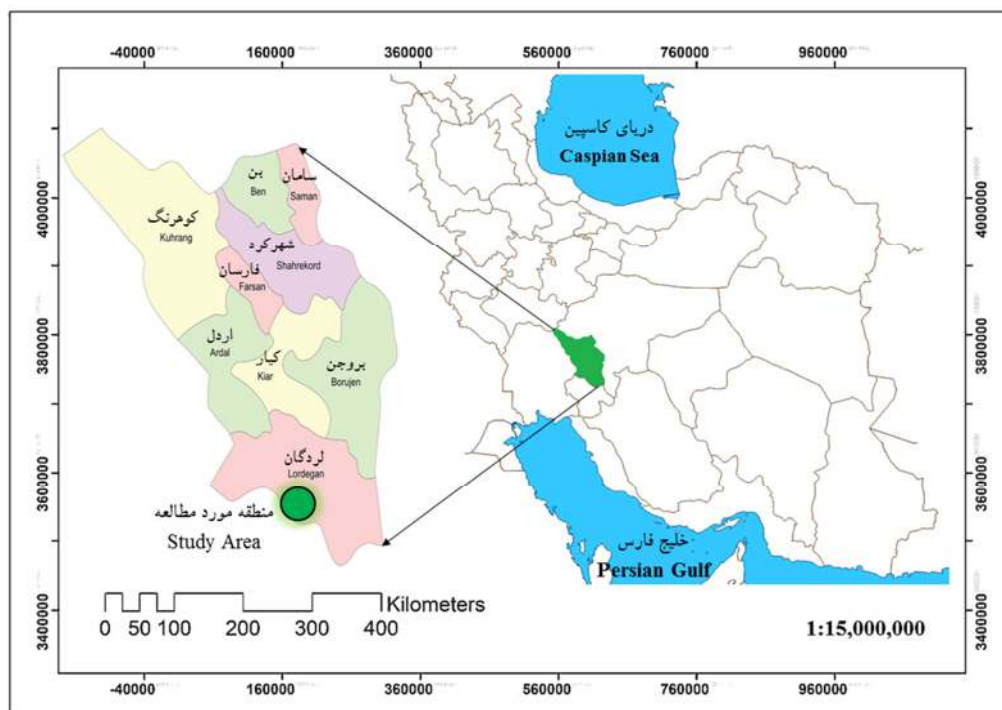
این پژوهش در استان چهارمحال و بختیاری در فلات مرکزی زاگرس انجام شد. این استان که سطحی معادل ۱۶۳۶۴ کیلومتر مربع دارد، حدود یک درصد سطح کل کشور را به‌خود اختصاص داده است. از مهم‌ترین رویشگاه‌های جنگلی در این استان می‌توان به منطقه لردگان اشاره کرد که تیپ غالب توده‌های آن، برودار است (Talebi *et al.*, 2006). این پژوهش در جنگل‌های روستای آتشگاه در ۵۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان لردگان واقع در حوضه

خشک‌دارها شامل خشک‌دارها ایستاده و افتاده، یک جزء کلیدی از ساختار بوم‌سازگان‌های جنگلی به‌شمار می‌روند. آن‌ها عنصری حیاتی برای حفظ تعادل در این بوم‌سازگان‌ها، تنوع زیستی و بهره‌وری جنگل هستند. به‌عبارت دیگر، خشک‌دارها بخشی طبیعی و ضروری از جنگل‌های سالم به‌شمار می‌روند (Victor *et al.*, 2019; Vahedi *et al.*, 2023). ذخیره کربن خشک‌دارها تحت تأثیر نوع جنگل است. جنگل‌های قدیمی به‌طور معمول مقدار زیادی کربن را در تنه‌های در حال پوسیدگی ذخیره می‌کنند (Takahashi *et al.*, 2005). اختلالات طبیعی و دخالت‌های انسانی مانند توفان‌ها و عملیات تنک کردن غیرتجاری به افزایش فوری ذخایر خشک‌دارها منجر می‌شوند (Harmon *et al.*, 1986; Berg & McClougherty, 2003; IPCC, 2007).

در مورد کربن خاک، نوع خاک و بافت خاک، عوامل تعیین‌کننده سطح ذخیره کربن هستند (IPCC, 2003). خاک، بزرگ‌ترین مخزن کربن در بوم‌سازگان‌های خشکی است. ذخیره جهانی کربن خاک حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ گیگاتن تخمین زده می‌شود که سه تا چهار برابر بیشتر از مقدار موجود در گیاهان است (Takahashi *et al.*, 2010). به‌طورکلی، جنگل‌ها به‌دلیل ورودی زیاد مواد آلی مرده از پوشش گیاهی، کربن زیادی در خاک ذخیره می‌کنند. خاک جنگل‌های سرد معتدله به‌طور متوسط ۱۲۰ تن در هکتار ذخیره کربن دارند (Pan *et al.*, 2011). مقدار اندوخته کربن آلی خاک با ویژگی‌های مهم رویشگاه مانند مقدار لاشبرگ، عمق ریشه‌دوانی و نرخ تجزیه مواد آلی تعیین می‌شود (Andivia *et al.*, 2016). لاشبرگ فقط پنج درصد از ذخیره کربن در بوم‌سازگان جنگلی را به‌خود اختصاص می‌دهد، اما به‌دلیل اینکه نقش اساسی در چرخه کربن ایفا می‌کند و رابط بین کربن گیاه و خاک است، اهمیت ویژه‌ای دارد (Pan *et al.*, 2011). بررسی تغییرات ذخایر کربن آلی در زمین‌های شنی آلپ بیانگر اثر مثبت تنوع پوشش گیاهی بر ذخیره کربن بود (Li *et al.*, 2019). Duchesne و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی اندوخته کربن روی‌زمینی در



آبگیر سد خرسان ۳ انجام شد. منطقه مورد بررسی با وسعت ۹۰ هکتار در محدوده "۵۰° ۵۹' ۰" تا "۵۰° ۵۹' ۵۴" طول شرقی و "۳۱° ۱۴' ۲۰" تا "۳۱° ۱۵' ۲۴" عرض شمالی قرار گرفته است (شکل ۱).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد بررسی

Figure 1. Geographical location of the study area

شاخه‌زاد، ۱۴ پایه به‌طور تصادفی انتخاب و نشانه‌گذاری شدند. انتخاب پایه‌ها به‌منظور اندازه‌گیری مقدار خشک‌دانه‌های ایستاده موجود در درختان مورد بررسی که در قالب شاخه‌های خشک‌شده وجود داشتند، انجام شد. به این منظور، مشخصه‌های قطر متوسط تاج، قطر برابر سینه، ارتفاع کل برای همه درختان در هر قطعه نمونه اندازه‌گیری و ثبت شد.

نمونه‌برداری از خشک‌دار

خشک‌دار (Dead Wood) به بخش‌های چوبی غیرزنده (Necromass) با قطر بیشتر از پنج سانتی‌متر که به‌صورت سرپا و یا افتاده روی زمین وجود دارد، گفته می‌شود (Takahashi *et al.*, 2010). در منطقه مورد بررسی به‌دلیل

روش پژوهش

گونه مورد بررسی

این پژوهش در مورد گونه اصلی درختی در جنگل‌های زاگرس جنوبی، یعنی برودار (*Q. brantii*) انجام شد. این گونه اغلب در ارتفاعات و دامنه‌های جنوب غربی رشته‌کوه زاگرس پراکنش دارد. دو فرم رویشی دانه‌زاد و شاخه‌زاد به‌منظور ارزیابی زی‌توده و اندوخته کربن بررسی شدند. به‌منظور انتخاب پایه‌های مورد بررسی با توجه به مساحت منطقه و تراکم برودار، ۳۰ قطعه نمونه ۱۰۰۰ مترمربعی به‌طور تصادفی انتخاب شد. در هر قطعه نمونه، نزدیک‌ترین درخت به مرکز قطعه نمونه انتخاب شد. به‌طوری‌که در طبقه‌های مختلف قطری، درختان موردنظر وجود داشته باشند. بدین ترتیب در فرم رویشی دانه‌زاد، ۱۶ پایه و در فرم



نمونه برداری از لاشبرگ (Litter): لاشبرگ شامل همه برگ‌های افتاده، لایه‌های هوموس و همه قطعه‌های چوبی کوچک (قطر کمتر از یک سانتی‌متر) است. برای این منظور، لاشبرگ‌های موجود در چهار قاب کوچک ۰/۵ مترمربعی در چهار جهت زیر تاج هر درخت توزین شدند (Iranmanesh, 2013).

ماده آلی خاک (SOC): برای اندازه‌گیری کربن آلی خاک، در منطقه مورد بررسی، ۳۰ نمونه خاک (زیر هر درخت یک نمونه) از عمق صفر تا ۳۰ سانتی‌متر به کمک اوگر برداشت شدند. همچنین، وزن ظاهری خاک و درصد قطعه‌های بزرگ (مانند سنگ‌ریزه) اندازه‌گیری شد. با استفاده از رابطه (۱)، مقدار کل کربن آلی خاک در منطقه مورد بررسی محاسبه شد (IPCC, 2003).

شرایط اجتماعی موجود، درختان کاملاً خشک شده (خشک‌دار ایستاده) وجود نداشت. اغلب خشک‌دارهای ایستاده، چوب‌های خشک شده با قطر بیشتر از پنج سانتی‌متر روی تاج درخت بودند. به منظور اندازه‌گیری زی‌توده خشک‌دار سرپا (Standing Dead Wood)، ابعاد شاخه‌های خشکیده موجود روی درختان شامل قطر میانه و طول شاخه به‌طور جداگانه اندازه‌گیری شدند. یک نمونه از آن‌ها برای اندازه‌گیری وزن مخصوص جدا شد. سپس، با استفاده از روش حجمی، زی‌توده خشک‌دار سرپا اندازه‌گیری شد. برای اندازه‌گیری زی‌توده خشک‌دار افتاده (Fallen Dead Wood)، چهار قاب کوچک ۰/۵ مترمربعی در هر قطعه‌نمونه مشخص شد و چوب‌های خشک شده روی زمین و زیر تاج پوشش هر درخت به‌طور جداگانه جمع‌آوری و توزین شدند.

$$\text{SOC} = [\text{SOC}] \times \text{Bulk Density} \times \text{Depth} \times \text{Coarse Fragments} \times 10 \quad \text{رابطه (۱)}$$

وزن تر هر جزء از درخت، WDS و وزن خشک هر نمونه و WFS وزن تر هر کدام از نمونه‌ها هستند.

بررسی‌های آزمایشگاهی به منظور اندازه‌گیری درصد کربن آلی لاش‌ریزه و نمونه‌های گیاهی از روش احتراق در کوره الکتریکی استفاده شد. به این منظور، نمونه‌ها به مدت چهار ساعت در دمای ۵۵۰ تا ۶۰۰ درجه سانتی‌گراد قرار داده شدند. پس از اندازه‌گیری درصد خاکستر، با استفاده از رابطه ۳، ضریب کربن محاسباتی به دست آمد (Allen et al., 1986).

$$\text{C\%} = (100 - \text{Ash\%}) \times 0.58 \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$\text{Ash} = (W_3 - W_1 / W_2 - W_1) \times 100 \quad \text{رابطه (۴)}$$

در معادله‌های فوق، Ash%، درصد خاکستر حاصل پس

که در آن، SOC: ذخیره کربن آلی خاک (تن در هکتار)، [SOC]: غلظت کربن آلی خاک در حجم خاک برداشت شده $(\text{g C (kg soil)}^{-1})$ ، Bulk Density: جرم خاک بر حجم نمونه یا وزن مخصوص ظاهری خاک (Mg m^{-3}) ، Depth: عمق نمونه‌برداری (متر)، Coarse Fragments: قطعه‌های بزرگ (۱۰۰/درصد حجم قطعه‌های بزرگ) -۱ و ۱۰: ضریب تبدیل واحد به تن در هکتار هستند. همه نمونه‌های تهیه شده شامل خشک‌دار و لاشبرگ بلافاصله در عرصه توزین شدند و در بسته‌بندی‌های جداگانه به منظور اندازه‌گیری وزن خشک و مقدار کربن به آزمایشگاه منتقل شدند. پس از تعیین وزن خشک نمونه‌ها، وزن خشک هر اندام درخت با استفاده از رابطه (۲) محاسبه شد.

$$\text{WDC} = \frac{\text{WFC} * \text{WDS}}{\text{WFS}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در آن، WDC وزن خشک هر جزء از درخت، WFC



خشک‌دارهای ایستاده (۲۰/۶۲ کیلوگرم در پایه) و افتاده (۲/۰۹۶ کیلوگرم در پایه) را به خود اختصاص داد. پس از آن، بیشترین زی توده خشک‌دارهای ایستاده (۱۴/۲۶۶ کیلوگرم در پایه) و افتاده (۱/۰۴۳ کیلوگرم در پایه) به طبقه قطری بیشتر از ۴۰ سانتی‌متر اختصاص یافت. همچنین، کمترین مقادیر زی توده خشک‌دارهای ایستاده و افتاده در درختان دانه‌زاد مورد مطالعه در طبقه‌های قطری ۱۰ تا ۲۰ و کمتر از ۱۰ سانتی‌متر مشاهده شد. این مقادیر برای خشک‌دارهای ایستاده و افتاده در طبقه قطری ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متر به ترتیب برابر با ۰/۶۱ و ۰/۲۲۸ کیلوگرم در پایه و در طبقه قطری کمتر از ۱۰ سانتی‌متر به ترتیب برابر با ۰/۲۶۶ و ۰/۴۱ کیلوگرم در پایه بودند. همچنین به طور متوسط، زی توده خشک‌دار ایستاده (۸/۱۱۸ کیلوگرم در پایه) بیشتر از زی توده خشک‌دار افتاده (۰/۸۴ کیلوگرم در پایه) به دست آمد (جدول ۱).

زی توده خشک‌دارهای ایستاده و افتاده درختان شاخه‌زاد در طبقه‌های مختلف قطر تاج مقایسه زی توده خشک‌دارهای افتاده درختان شاخه‌زاد بین طبقه‌های مختلف قطر تاج نشان داد که از این نظر، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین طبقه‌های قطر تاج وجود دارد، اما این تفاوت در خشک‌دارهای ایستاده، معنی‌دار نبود. بیشینه زی توده خشک‌دارهای ایستاده در طبقه قطری تاج چهار تا شش متری (۵/۸۶ کیلوگرم در پایه) و کمترین آن در طبقه قطری تاج کمتر از دو متر مشاهده شد (جدول ۲). بیشترین زی توده خشک‌دارهای افتاده در طبقه قطری تاج بیشتر از هشت متر (۱/۰۵۵ کیلوگرم در پایه) و پس از آن، در طبقه قطری تاج شش تا هشت متر (۰/۸۵۲ کیلوگرم در پایه) به دست آمد. کمترین مقدار زی توده خشک‌دارهای افتاده در طبقه قطری تاج کمتر از دو متر (۰/۰۷۶ کیلوگرم در پایه) و به دنبال آن، طبقه قطری تاج دو تا چهار متر (۰/۱۷۳ کیلوگرم در پایه) مشاهده شد (جدول ۲). همچنین به طور متوسط، زی توده خشک‌دارهای ایستاده (۳/۶۰۶

از سوزاندن کامل، W_1 ، وزن ظرف بوته چینی، W_2 ، وزن خشک نمونه و بوته چینی، W_3 ، مجموع وزن خاکستر و بوته چینی مورد استفاده و %C، ضریب کربن محاسباتی هستند. پس از محاسبه مقدار ضریب کربن محاسباتی، مقدار اندوخته کربن خشک‌دارها با استفاده از حاصل ضرب مقدار زی توده در ضریب کربن محاسباتی به دست آمد. آزمایش‌های خاک‌شناسی برای تعیین درصد سنگ‌ریزه، بافت، وزن مخصوص ظاهری و کربن آلی خاک انجام شد. اندازه‌گیری کربن آلی خاک به روش والکلی- بلک (Walkley-Black) و وزن مخصوص ظاهری خاک با روش کلوخه انجام گرفت (MacDicken, 1997). نیتروژن کل از طریق روش کج‌دال (Bremner & Mulvaney, 1982) و فسفر قابل جذب به روش اولسن (Olsen & Sommers, 1982) اندازه‌گیری شدند.

تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی اطلاعات برداشت‌شده، ابتدا تبعیت داده‌ها از توزیع نرمال با استفاده از آزمون کولموگروف-سمیرنوف بررسی شد. برای مقایسه زی توده خشک‌دارها بین فرم‌های رویشی مورد مطالعه از آزمون t مستقل و برای مقایسه متغیرهای مورد بررسی بین طبقه‌های قطری مختلف و نیز بین قسمت‌های مختلف مورد بررسی از آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شد. مقایسه میانگین‌ها نیز با آزمون دانکن انجام گرفت. برای بررسی ارتباط بین کربن با نیتروژن و فسفر خاک از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتایج

زی توده خشک‌دارهای ایستاده و افتاده درختان دانه‌زاد در طبقه‌های مختلف قطر برابر سینه مقایسه زی توده خشک‌دارهای درختان دانه‌زاد بین طبقه‌های مختلف قطر برابر سینه نشان داد که مقدار زی توده خشک‌دارهای ایستاده بین طبقه‌های قطری، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد، اما تفاوت معنی‌داری در خشک‌دارهای افتاده مشاهده نشد (جدول ۱). طبقه قطری ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر، بیشترین مقدار زی توده



کیلوگرم در پایه) بیشتر از زی توده خشک دارهای افتاده (۰/۵۵۶ کیلوگرم در پایه) بود (جدول ۲).

جدول ۱- مقایسه زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده درختان دانه زاد در طبقه های مختلف قطری

Table 1. Biomasses in high forest standing and fallen deadwoods in different diameter classes

Diameter class (DBH; cm)	Number of trees per plot	Standing deadwood biomass (Kg/tree)	Fallen deadwood biomass (Kg/tree)
		Mean \pm SE	Mean \pm SE
< 10	8	0.266 \pm 0.067	0.41 \pm 0.226
10 – 20	25	0.61 \pm 0.308	0.228 \pm 0.029
20 – 30	20	4.83 \pm 2.117	0.424 \pm 0.178
30 – 40	17	20.62 \pm 13.78	2.096 \pm 1.768
> 40	19	14.266 \pm 2.009	1.043 \pm 0.142
Mean	-	8.118	0.84
Sum of Squares	-	845.777	5.699
F	-	5.067	2.215
Sig.	-	0.015	0.134

جدول ۲- مقایسه زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده درختان شاخه زاد در طبقه های مختلف قطر تاج

Table 2. Biomass in coppice standing and fallen deadwoods in different canopy diameter classes

Canopy diameter class (m)	Number of trees per plot	Standing deadwood biomass (Kg/tree)	Fallen deadwood biomass (Kg/tree)
		Mean \pm SE	Mean \pm SE
< 2	12	0.0 \pm 0.0	0.076 \pm 0.076
2 – 4	17	4.5 \pm 4.5	0.173 \pm 0.039
4 – 6	16	5.86 \pm 1.492	0.622 \pm 0.309
6 – 8	5	2.973 \pm 0.785	0.852 \pm 0.137
> 8	1	4.7 \pm 0.73	1.055 \pm 0.075
Mean	-	3.606	0.556
Sum of Squares	-	47.206	1.809
F	-	0.407	5.575
Sig.	-	0.8	0.015

فرم های رویشی شاخه زاد حدود ۵۵ درصد کمتر از فرم های رویشی دانه زاد بود. هرچند، این تفاوت معنی دار نبود. همچنین، تفاوت معنی داری در زی توده خشک دارهای افتاده بین فرم های رویشی دانه زاد (۰/۸۴ کیلوگرم در پایه) و فرم های شاخه زاد (۰/۵۶ کیلوگرم در پایه) مشاهده نشد (جدول ۳).

جدول ۳، نتایج آزمون t برای مقایسه زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده بین درختان دانه زاد و شاخه زاد را نشان می دهد. مقدار زی توده خشک دارهای ایستاده در فرم های رویشی دانه زاد (۸/۱۲ کیلوگرم در پایه) بیشتر از فرم های رویشی شاخه زاد (۳/۶۱ کیلوگرم در پایه) به دست آمد. به طوری که زی توده خشک دارهای ایستاده در



جدول ۳- مقایسه زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده بین درختان دانهزاد و شاخهزاد

Table 3. Biomass in standing and fallen deadwoods of high forest and coppice trees

Deadwood Biomass	High Forest (Kg/tree)	Coppice (Kg/tree)	F	Sig.
	Mean ± SE	Mean ± SE		
Standing	8.12 ± 2.331	3.61 ± 1.301	3.529	0.071
Fallen	0.84 ± 0.23	0.56 ± 0.118	0.93	0.343

مشابهی با درختان دانهزاد نشان دادند. به طوری که خشک دارهای ایستاده، بیشترین مقدار زی توده (۳/۶۱ کیلوگرم در پایه) را به خود اختصاص دادند. این مقدار در مقایسه با زی توده خشک دارهای افتاده (۰/۵۶ کیلوگرم در پایه)، تفاوت معنی داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد داشت (جدول ۴).

جدول ۴، نتایج آزمون t برای مقایسه زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده در درختان دانهزاد و شاخهزاد را نشان می دهد. بر این اساس، در فرم رویشی دانهزاد، زی توده خشک دارهای ایستاده به طور معنی داری بیشتر از زی توده خشک دارهای افتاده بود. در فرم رویشی شاخهزاد نیز زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده، روند

جدول ۴- مقایسه بین زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده در درختان دانهزاد و شاخهزاد

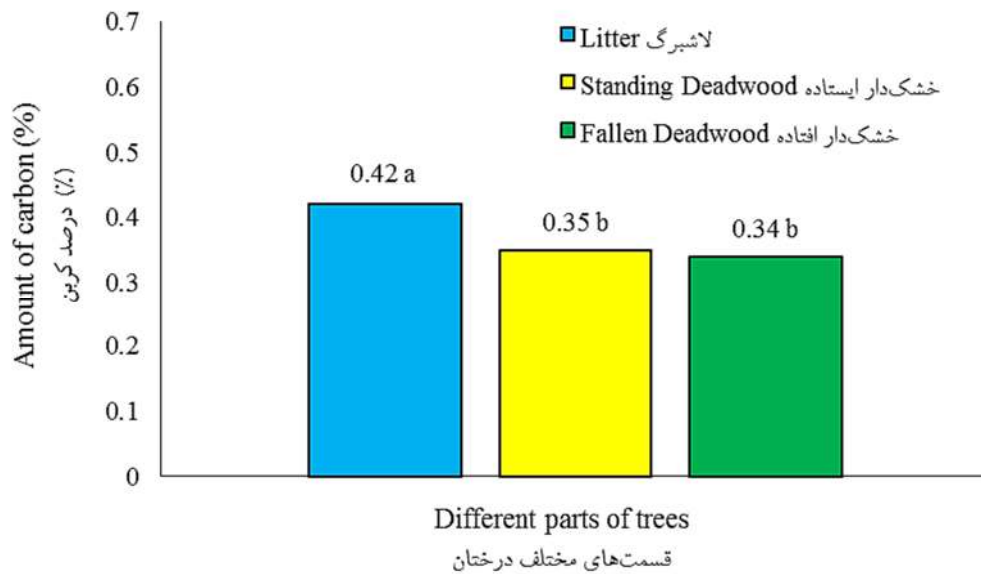
Table 4. Deadwood biomass in high forest and coppice trees

Deadwood	Standing biomass (Kg/tree)	Fallen biomass (Kg/tree)	F	Sig.
	Mean ± SE	Mean ± SE		
High Forest	8.12 ± 2.331	0.84 ± 0.23	16.324	0.000
Coppice	3.61 ± 1.301	0.56 ± 0.118	10.254	0.004

هکتار بودند. همچنین، اندوخته کربن خشک دارهای ایستاده و افتاده در این پایه ها ۰/۱۲ و ۰/۰۱ تن در هکتار محاسبه شد. میانگین زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده در فرم های رویشی شاخهزاد نیز به ترتیب ۰/۰۹ و ۰/۰۰۹ تن در هکتار و اندوخته کربن خشک دارهای ایستاده و افتاده در این پایه ها ۰/۰۳ و ۰/۰۰۳ تن در هکتار به دست آمد. در مجموع، مقدار متوسط اندوخته کربن خشک دارها (مجموع خشک دارهای ایستاده و افتاده) در منطقه مورد مطالعه ۰/۱۷۱ تن در هکتار برآورد شد.

مقایسه درصد کربن بخش های مختلف درختان در شکل ۲ آمده است. همان طور که مشاهده می شود، درصد کربن در خشک دارهای ایستاده، افتاده و لاشبرگ به ترتیب ۰/۳۵، ۰/۳۴ و ۰/۴۲ به دست آمد. این اختلاف بین لاشبرگ و خشک دارها معنی داری بود، اما بین درصد کربن خشک دار ایستاده و افتاده، تفاوت معنی داری مشاهده نشد. از این مقادیر در محاسبه میانگین اندوخته کربن در واحد سطح استفاده شد. در مجموع، میانگین زی توده خشک دارهای ایستاده و افتاده در فرم های رویشی دانهزاد به ترتیب برابر ۰/۳۵ و ۰/۰۳ تن در





شکل ۲- مقایسه درصد کربن بین بخش‌های مختلف درختان

حرف‌های متفاوت لاتین نشان‌دهنده اختلاف معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد هستند.

Figure 2. Amount of Carbon (%) in different parts of trees
Different letters indicate a significant difference between means ($P < 0.05$).

دسترسی به نیتروژن برای رشد درختان در هر دو نوع پایه درختی دانه‌زاد و شاخه‌زاد مشابه است. اختلاف فسفر خاک بین فرم‌های رویشی دانه و شاخه‌زاد معنی‌دار نبود ($P > 0.05$), اما میانگین مقادیر فسفر خاک در فرم رویشی شاخه‌زاد (۰/۴۳۵ درصد) نسبت به دانه‌زاد (۰/۴۲۵ درصد) کمی بیشتر به دست آمد (جدول ۵). با توجه به مجموع نمونه‌های خاک برداشت‌شده، مقدار ذخیره کربن آلی خاک (SOC) در منطقه مورد بررسی، $۰/۲۸۹ \pm ۴۴/۵۹۳$ تن در هکتار محاسبه شد.

در جدول ۵، ویژگی‌های عناصر خاک در فرم‌های رویشی درختی دانه‌زاد و شاخه‌زاد آمده است. مطابق با نتایج، تفاوت معنی‌داری در میزان کربن خاک بین فرم‌های رویشی دانه‌زاد (۱/۲۴۸ درصد) و شاخه‌زاد (۱/۲۱۴ درصد) مشاهده نشد ($P > 0.05$). این موضوع بیانگر این است که هر دو نوع پایه درختی، مقادیر مشابهی از کربن خاک را ذخیره می‌کنند. به طور مشابه، تفاوت نیتروژن خاک بین فرم‌های رویشی دانه‌زاد (۰/۱۰۹ درصد) و شاخه‌زاد (۰/۱۰۴ درصد) غیرمعنی‌دار بود ($P > 0.05$). این نتایج نیز نشان می‌دهند که

جدول ۵- مقایسه مقادیر عناصر خاک در فرم‌های درختی دانه‌زاد و شاخه‌زاد

Table 5. Soil nutrient properties under high forest and coppice trees

Soil Properties	Forms of Trees	Mean \pm SE	F	Sig.
Carbon (%)	High Forest	1.248 \pm 0.089	4.481	0.854
	Coppice	1.214 \pm 0.163		
Nitrogen (%)	High Forest	0.109 \pm 0.007	5.453	0.756
	Coppice	0.104 \pm 0.014		
Phosphor (%)	High Forest	4.25 \pm 0.243	1.571	0.807
	Coppice	4.35 \pm 0.331		



جدول ۶، تحلیل رگرسیون و همبستگی بین کربن و نیتروژن و کربن و فسفر خاک را نشان می‌دهد. همبستگی زیادی بین عناصر کربن و نیتروژن در خاک مشاهده شد

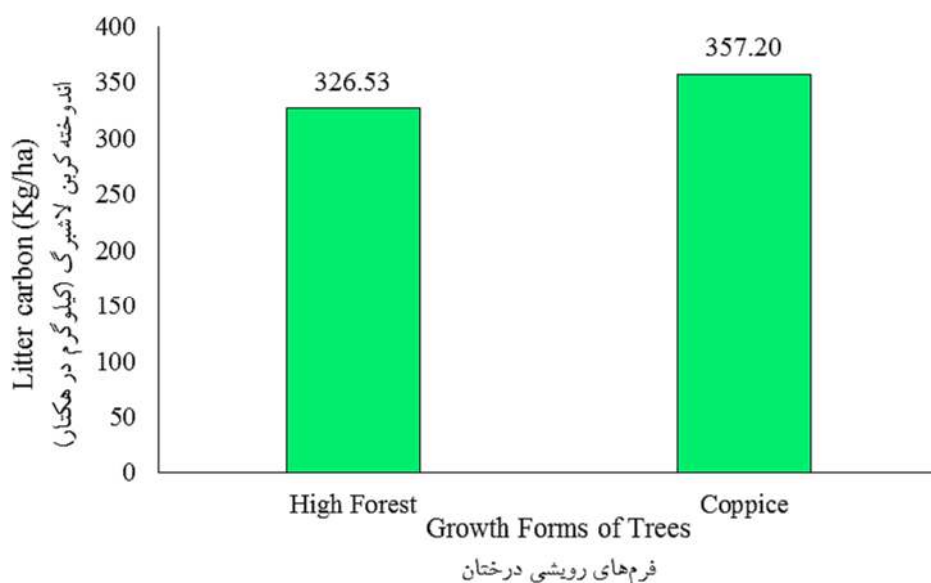
جدول ۶- تحلیل رگرسیون خطی بین عناصر خاک

Table 6. Line regression analyzes between soil nutrients

Regression	Model	df	Mean Square	R ²	F	Sig.
Carbon-Nitrogen	y = 0.09x	1	0.051	0.944	476.335	0.000
Carbon-Phosphor	y = 0.1x + 0.31	1	0.067	0.194	6.737	0.015

اما این اختلاف معنی‌دار نبود (P=۰/۸۱۱) (شکل ۳). در مجموع، مقدار متوسط اندوخته کربن لاشبرگ در منطقه مورد مطالعه ۰/۳۲۷ تن در هکتار به دست آمد.

اندوخته کربن لاشبرگ هرچند مقدار اندوخته کربن لاشبرگ زیر درختان شاخه‌زاد (۳۵۷/۲ کیلوگرم در هکتار) بیشتر از مقدار آن زیر درختان دانه‌زاد (۳۲۶/۵۳ کیلوگرم در هکتار) به دست آمد،



شکل ۳- اندوخته کربن لاشبرگ در فرم‌های رویشی دانه‌زاد و شاخه‌زاد

Figure 3. Litter carbon in high forest and coppice trees

گرمایش جهانی و تعیین مقدار کربن ذخیره‌شده در زی توده درختان جنگلی در کل جهان، جنگل‌کاری با هدف تولید انرژی زیستی و تولید محصولات چوبی و تجارت چوب و کاغذ از جمله مسائلی هستند که ارتباط مستقیمی با اندازه‌گیری زی توده جنگل دارند. در بسیاری از

بحث

مقدار زی توده در بوم‌سازگان‌های جنگلی علاوه بر اینکه بیانگر توان تولید در واحد سطح یا زمان (مقدار ذخایر کربن موجود در جنگل) است، بر چرخه‌های زیست‌زمین‌شیمیایی جنگل نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین، عواملی مانند بحران



دخالت‌های شدید انسانی در منطقه و تغییر در ساختار توده است. در پژوهش‌های متعددی، تأثیر دخالت‌های انسانی بر کاهش مقدار اندوخته کربن روی زمینی گزارش شده است (Badalamenti *et al.*, 2019). پژوهش Pato و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داد که تعداد در هکتار، آمیختگی و تیپ جنگل، رابطه مستقیمی با زی‌توده جنگل دارد و به افزایش ذخیره کربن خاک کمک می‌کند، بنابراین یکی دیگر از دلایل مقدار کمتر اندوخته کربن خشک‌دارهای ایستاده در درختان شاخه‌زاد مورد بررسی در پژوهش پیش‌رو، فرم رویشی درختان است. میزان زی‌توده خشک‌دارهای ایستاده در بوم‌سازگان‌های جنگلی به‌طور مداوم در حال تغییر است. این تغییرات وابسته به بهره‌وری بوم‌سازگان‌های جنگلی، توالی و نرخ تجزیه هستند. علاوه بر ناحیه جغرافیایی، ساختار جنگل و ترکیب گونه‌ای، روش‌های مدیریت جنگل نیز می‌توانند بر مقدار و پویایی خشک‌دارهای سرپا و سرعت تجزیه آن‌ها در بوم‌سازگان‌های جنگلی تأثیر بگذارند (Tavankar *et al.*, 2022). در مجموع، مقدار متوسط اندوخته کربن خشک‌دارها (مجموع خشک‌دارهای ایستاده و افتاده) در منطقه مورد مطالعه ۰/۱۷۱ تن در هکتار به‌دست آمد. بررسی اهمیت خشک‌دارها در زی‌توده و ذخایر کربن در بوم‌سازگان‌های جنگلی سنت‌جان، جزایر ویرجین در ایالات متحده نشان داد که خشک‌دارها و لایه زیرین خاک به‌طور میانگین ۲۰ درصد از کل ذخایر کربن این منطقه را تشکیل می‌دهند (Oswalt *et al.*, 2008). همچنین، زی‌توده خشک‌دارها در جنگل‌های این جزیره ۰/۴۹ تن در هکتار گزارش شد که با نتایج پژوهش پیش‌رو، مشابهت بیشتری دارد. زیرا که منطقه جنگلی آتشگاه لردگان نیز جزء مناطق جنگلی خشک و نیمه‌خشک کشور محسوب می‌شود. از طرفی، تغییرات مشاهده در مقدار زی‌توده خشک‌دارها بین طبقه‌های قطری مختلف و یا بین فرم‌های رویشی درختان می‌تواند به دلیل جمع‌آوری چوب‌های خشک در جنگل توسط روستائیان حاشیه مناطق جنگلی برای استفاده‌های سوختی باشد.

در میان ذخیره‌گاه‌های جهانی کربن، خاک‌های جنگلی،

پژوهش‌های انجام‌شده، ذخیره کربن بوم‌سازگان‌های جنگلی اغلب در سه بخش اصلی شامل پوشش گیاهی، خاک و لاشیرگ خلاصه و تحلیل شده است (Lee *et al.*, 2014; Héroult & Piponiot, 2018; Lafleur *et al.*, 2018). کربنی که در خشک‌دارهای جنگل ذخیره می‌شود، یکی از پنج مخزن کربنی است که توسط هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم (IPCC) شناسایی شده است و محاسبه دقیق این مخازن برای کاهش اثرات گرمایش زمین ضروری است (Pfeifer *et al.*, 2015)، بنابراین در پژوهش پیش‌رو نیز سنجش زی‌توده و اندوخته کربن در سه بخش خشک‌دار، لاشیرزه و خاک بررسی و تحلیل شد. علی‌رغم پژوهش‌های فراوان در مورد زی‌توده و اندوخته کربن روی زمینی در بوم‌سازگان‌های جنگلی، کربن ذخیره‌شده در خشک‌دارها در فرم‌های رویشی مختلف تاکنون به‌خوبی مستند نشده است. بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با ذخیره کربن به‌طور انحصاری بر زی‌توده زنده متمرکز شده‌اند یا در جنگل‌های اولیه که تحت تأثیر قطع درختان قرار نمی‌گیرند، انجام شده‌اند. این در حالی است که بقایای چوبی درشت می‌توانند بخش‌های قابل‌توجهی از ذخایر کربن جنگل را در خود جای دهند (Pfeifer *et al.*, 2015).

گونه‌های غالب درختی و ویژگی‌های ساختاری جنگل از مهم‌ترین عوامل در تعیین مقدار زی‌توده و ذخیره‌سازی کربن شناخته شده‌اند. جمعیت، قطر برابر سینه و ارتفاع درختان نیز از اصلی‌ترین مشخصه‌ها در مقدار تولید زی‌توده و اندوخته کربن توده جنگلی به اثبات رسیده‌اند (Behera *et al.*, 2017)، بنابراین میانگین بیشتر مؤلفه‌های کمی در درختان دانه‌زاد نسبت به شاخه‌زاد از دلایل اصلی تفاوت زی‌توده و اندوخته کربن خشک‌دارهای ایستاده و افتاده در فرم‌های رویشی مورد مطالعه در پژوهش پیش‌رو است. Mahmoudi Taleghani و همکاران (۲۰۰۷) در برآورد ذخیره کربن جنگل‌های هیرکانی تحت مدیریت، حجم در هکتار جنگل و تنوع در ترکیب و آمیختگی گونه‌ها را از عوامل مؤثر بر اندوخته کربن توده ذکر کردند. فرم غالب شاخه‌زاد یا جست‌گروه در یک توده جنگلی، نشان‌دهنده



بنابراین (Kooch *et al.*, 2021; Amorim *et al.*, 2023) نیتروژن از طریق ارتباط بین ظرفیت فتوسنتزی برگ و غلظت نیتروژن شاخ و برگ‌ها، به‌عنوان یک تنظیم‌کننده مهم جذب کربن عمل می‌کند. همبستگی زیاد بین مقدار نیتروژن و کربن آلی خاک در هر دو فرم رویشی، مؤید این موضوع است. از طرف دیگر، بازگشت فسفر در مقایسه با بازگشت نیتروژن به‌میزان اندکی با تجزیه مواد آلی، ارتباط پیدا می‌کند. در نتیجه، فسفر آلی خاک‌های جنگلی به‌علت آشفتگی‌های مکرر در مدت زیاد از دست می‌روند. ترسیب کربن توسط درختان در اثر کمبود فسفر، محدود می‌شود. به‌ویژه غلظت فسفر برگ به‌عنوان عامل مهم تعیین‌کننده ظرفیت فتوسنتزی بعضی از گونه‌های درختی محسوب می‌شود (Amorim *et al.*, 2023). اگرچه تأثیر فسفر نسبت به نیتروژن بر مقدار ماده آلی خاک کمتر است، اما برهم‌کنش نیتروژن- فسفر، اثر بسیار قوی بر کارکرد بوم‌سازگان جنگلی دارد. به همین دلیل، فسفر در خاک درختان شاخه‌زاد مورد مطالعه بیشتر از خاک درختان دانه‌زاد بود. میزان همبستگی بین کربن خاک و فسفر در هر دو فرم رویشی مورد مطالعه و البته کمتر بودن این همبستگی نسبت به نیتروژن، گواه بر این موضوع است.

متغیر دیگری که ذخیره کربن بوم‌سازگان به آن وابسته است، لاشبرگ موجود در پوشش کف جنگل است. اجزای لاشبرگ، ریشه و متابولیسم میکروبی از جمله راه‌های اصلی ورود کربن به ماده آلی خاک هستند. به‌ویژه کف جنگل‌ها و افق‌های خاک معدنی در بوم‌سازگان‌های جنگلی شامل مقادیر زیاد کربن هستند. مقدار لاشبرگ بر فرایندهای مهم بوم‌سازگان جنگلی مانند چرخه کربن و عناصر غذایی مؤثر است. مقدار اندوخته کربن لاشبرگ در درختان مورد بررسی، تفاوت معنی‌داری نشان نداد. تخریب شدید رویشگاه، چرای بی‌رویه دام و استفاده از برگ درختان بلوط برای تغذیه گوسفندان، تراکم کم درختان در منطقه و وجود انواع فرسایش از مهم‌ترین دلایل ضعف لایه لاشبرگ در منطقه مورد بررسی است. چرای بی‌رویه دام، برداشت خشک‌دارهای افتاده و آتش‌سوزی می‌تواند به‌طور قابل

حائز اهمیت زیادی هستند. ذخایر کربن خاک در طی تکامل توده تغییر می‌کنند. ورودی مواد آلی به خاک و آزاد شدن کربن حاصل از مواد آلی خاک تحت تأثیر توده درختان و عوامل اقلیمی قرار می‌گیرند (Kooch & Parsapour, 2016). مقدار کربن آلی موجود در خاک درختان مورد بررسی در پژوهش پیش‌رو ۴۴/۶ تن در هکتار به‌دست آمد. مقدار مشابه اندوخته کربن خاک در دو فرم رویشی دانه‌زاد و شاخه‌زاد را می‌توان به مشابهت حجم لاشبرگ موجود در دو رویشگاه نسبت داد. اگرچه فرم رویشی درختان باهم متفاوت هستند، اما از نظر مقدار لاشبرگ، تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها وجود نداشت. در نتیجه، مقدار ماده آلی خاک آن‌ها نیز مشابه بود. زیرا در عرصه‌های جنگلی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل تأمین‌کننده ماده آلی خاک، لاشبرگ‌ها و بقایای گیاهی است (Kianmehr *et al.*, 2022). Mahmoudi Taleghani و همکاران (۲۰۰۷) مقدار ذخیره کربن خاک در طرح جنگلداری دلدرد در منطقه گلبد در جنگل‌های هیرکانی کشور را ۲۸۳ تن در هکتار برآورد کردند. آن‌ها، عامل تنوع در ترکیب و آمیختگی گونه‌ها را موجب فعال بودن بوم‌سازگان و در نتیجه، ترسیب کربن بیشتر در خاک ذکر کردند. Varamesh و همکاران (۲۰۱۰) نیز مقدار اندوخته کربن خاک در توده جنگل‌کاری اقاچیا و کاج تهران را به ترتیب ۷۸/۲ و ۵۷ تن در هکتار گزارش کردند. اندوخته کربن در رویشگاه‌های برودار در استان کهگیلویه و بویراحمد حدود ۱۲۶ تا ۱۴۶ تن در هکتار محاسبه شد (Askari *et al.*, 2021). رویشگاه‌های مختلف زاگرسی نیز بین ۶۱/۴ تا ۱۳۸/۱ تن در هکتار گزارش شد (Iranmanesh *et al.*, 2023). پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که مقدار کربن آلی خاک در جنگل‌های متراکم، بیشتر است. این موضوع نشان‌دهنده پتانسیل زیاد ذخیره کربن توسط پوشش گیاهی است.

بررسی رابطه کربن و نیتروژن خاک در پژوهش پیش‌رو بیانگر همبستگی زیاد این دو عنصر بود. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که نیتروژن تثبیت‌شده در زی‌توده درخت بر تولید جنگل و ترسیب کربن درخت مؤثر هستند



فقط به بخش خاک و لاش‌ریزه پرداخته شده است. نکته قابل توجه در پژوهش پیش‌رو، اندازه‌گیری اندوخته کربن خشک‌دار است که سهم آن (۰/۱۷۱ تن در هکتار) حدود یک‌دوم اندوخته کربن لاشبرگ (۰/۳۲۷ تن در هکتار) به‌دست آمد. این یافته بیانگر لزوم توجه به این بخش از زی‌توده روی زمینی در بوم‌سازگان‌های جنگلی است. در مجموع، اندوخته کربن خاک، لاشبرگ و خشک‌دار به‌ترتیب با ۴۴/۶، ۰/۳۲۷ و ۰/۱۷۱ تن در هکتار، سهم‌های متفاوتی در ذخیره کربن منطقه جنگلی مورد بررسی دارند. این موضوع علاوه بر تأکید بر اهمیت ارزیابی نقش هریک از اجزاء بوم‌سازگان در ذخیره کربن، بر نقش و اهمیت خاک در بوم‌سازگان‌های طبیعی به‌عنوان اندوخته اصلی برای جذب و نگهداشت کربن اتمسفری تأکید دارد، بنابراین هرگونه دخالت و تخریب در خاک رویشگاه‌های طبیعی می‌تواند به‌عنوان یک چالش جدی در تشدید اثرات تغییر اقلیم محسوب شود.

سپاسگزاری

این مقاله با حمایت بنیاد ملی علم ایران (Iran National Science Foundation: NSF)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی (تات) در راستای طرح پسادکتری محمداکظم پارساپور به شماره ۴۰۲۰۲۹۲ به انجام رسیده است.

References

- Allen, S.E., Grimshaw, H.M. and Rowland, A.P., 1986. Chemical analysis: 285-344. In: Moore, P.D. and Chapman, S.B. (Eds.). *Method in Plant Ecology*. Blackwell Scientific Publication, Hoboken, New Jersey, USA, 589p.
- Amorim, H.C.S., Araujo, M.A., Lal, R. and Zinn, Y.L., 2023. What C:N ratios in soil particle-size fractions really say: N is preferentially sorbed by clays over organic C. *Catena*, 230: 107230.
- Andivia, E., Rolo, V., Jonard, M., Formánek, P. and Ponette, Q., 2016. Tree species identity mediates mechanisms of

توجهی به مقدار لاشبرگ در هر دو نوع توده جنگلی آسیب برساند. Askari و همکاران (۲۰۲۱) متوسط اندوخته کربن لاشبرگ را در جنگل‌های برودار استان کهگیلویه و بویر احمد ۰/۷۳ تن در هکتار گزارش کردند. Iranmanesh و همکاران (۲۰۲۳) نیز متوسط اندوخته کربن لاش‌ریزه در رویشگاه‌های مختلف زاگرسی را بین ۰/۸ تا ۳/۷ تن در هکتار برآورد کردند. در پژوهش پیش‌رو نیز متوسط اندوخته کربن لاشبرگ حدود ۰/۳۳ تن در هکتار به‌دست آمد. از دلایل اصلی میانگین کم لاش‌ریزه در رویشگاه مورد بررسی می‌توان به حضور بیش از اندازه دام در منطقه و تراکم کم پوشش درختی در آن اشاره کرد. همین موضوع یعنی استفاده از برگ درختان برای تغذیه دام‌ها را می‌توان از دلایل اصلی عدم تفاوت معنی‌دار مقدار لاشبرگ بین فرم‌های رویشی مختلف درختان برودار دانست. در بوم‌سازگان‌های جنگلی، تولید لاشبرگ و فرایندهای تجزیه آن بسیار مهم هستند. لاشبرگ، اثر معنی‌داری بر مواد غذایی، چرخه زیست‌زمین‌شیمیایی و عملکرد سالم در بوم‌سازگان جنگلی دارد (Giweta, 2020). از وزن لاشبرگ به‌عنوان شاخص سلامت و حاصلخیزی جنگل استفاده شده است (Pedersen & Bille-Hansen, 1999). علاوه بر این، درک عوامل مختلف تأثیرگذار بر تجزیه لاشبرگ برای بررسی عملکرد بوم‌سازگان، بسیار مهم است. در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد اندوخته کربن بوم‌سازگان‌های جنگلی، علاوه بر اندوخته کربن روی‌زمینی،

top soil carbon sequestration in a Norway spruce and European beech mixed forest. *Annals of Forest Science*, 73: 437-447.

- Askarii, Y., Iranmanesh, Y. and Pourhashemi, M., 2021. The economic value and comparison of carbon storage in different forest areas in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province. *Iranian Journal of Forest*, 13(2): 169-182 (In Persian with English summary).
- Azizi, Y., Akhavan, R., Kia-Daliri, H. and Soleimani, R., 2022. Effect of management activities and aspect on tree, soil and biodiversity variables of tree species in Dinarkuh forests of Ilam. *Iranian Journal of Forest*, 14(3): 275-290 (In Persian with English summary).



- Badalamenti, E., Battipaglia, G., Gristina, L., Novara, A., Rühl, J., Sala, G., ... and La Mantia, T., 2019. Carbon stock increases up to old growth forest along a secondary succession in Mediterranean island ecosystems. *PLoS One*, 14(7): e0220194.
- Behera, S.K., Sahu, N., Mishra, A.K., Bargali, S.S., Behera, M.D. and Tuli, R., 2017. Aboveground biomass and carbon stock assessment in Indian tropical deciduous forest and relationship with stand structural attributes. *Ecological Engineering*, 99: 513-524.
- Berg, B. and McClaugherty, C., 2003. Influence of site factors other than climate: 163-172. In: Berg, B. and McClaugherty, C. (Eds.). *Plant Litter: Decomposition, Humus Formation, Carbon Sequestration*. Springer, Berlin, Germany, 286p.
- Bremner, J.M. and Mulvaney, C.S., 1982. Nitrogen-total: 595-624. In: Page, A.L., Miller, R.H. and Keeney, D.R. (Eds.). *Methods of Soil Analysis, Part 2: Chemical and Microbiological Properties, Second Edition*. American Society of Agronomy, Inc., Soil Science Society of America, Inc., Madison, Wisconsin, 1159p.
- Daba, D.E., Dullo, B.W. and Soromessa, T., 2022. Effect of forest management on carbon stock of tropical moist Afromontane Forest. *International Journal of Forestry Research*, 2022: 3691638.
- Duchesne, L., Houle, D., Ouimet, R., Lambert, M.C. and Logan, T., 2016. Aboveground carbon in Quebec forests: stock quantification at the provincial scale and assessment of temperature, precipitation and edaphic properties effects on the potential stand-level stocking. *PeerJ*, 4: e1767.
- Giweta, M., 2020. Role of litter production and its decomposition, and factors affecting the processes in a tropical forest ecosystem: a review. *Journal of Ecology and Environment*, 44(1): 11.
- Hanafi-Bojd, A.A., Sharififard, M., Jahanifard, E., Navidpour, Sh. and Vazirianzadeh, B., 2020. Presence probability of *Hemiscorpius lepturus* Peters, 1861 using maximum entropy approach in the western areas of Zagros Mountains, Iran. *Veterinary World*, 13(2): 296-303.
- Harmon, M.E., Franklin, J.F., Swanson, F.J., Sollins, P., Gregory, S.V., Lattin, J.D., ... and Cummins, K.W., 1986. Ecology of coarse woody debris in temperate ecosystems. *Advances in Ecological Research*, 15: 133-302.
- Hérault, B. and Piponirot, C., 2018. Key drivers of ecosystem recovery after disturbance in a neotropical forest. *Forest Ecosystems*, 5(1): 2.
- IPCC, 2003. Good Practice Guidance for Land Use, Land-Use Change and Forestry. Published by the Institute for Global Environmental Strategies (IGES) for the IPCC, National Greenhouse Gas Inventories Programme, Hayama, Japan, 590p.
- IPCC, 2007: Summary for policymakers: 1-18. In: *Climate Change 2007: The Physical Science Basis. Contribution of Working Group I to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change* (Solomon, S., Qin, D., Manning, M., Chen, Z., Marquis, M., Averyt, K.B., ... and Miller, H.L. (Eds.)). Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom and New York, USA, 996p.
- Iranmanesh, Y., 2013. Assessment on biomass estimation methods and carbon sequestration of *Quercus brantii* Lindl. in Chaharmahal & Bakhtiari forests. Ph.D thesis, University of Tarbiat Modares, Nur, Iran, 106p (In Persian with English summary).
- Iranmanesh, Y., Pourhashemi, M., Jahanbazi, H., Bordbar, K., Askari, Y., Henareh Khalyani, J., ... and Ghasempour, S., 2023. An analysis of carbon storage status in Zagros forest habitats. *Journal of Iran Nature*, 8(2): 15-20 (In Persian with English summary).
- Kianmehr, A., Hojjati, S.M., Kooch, Y. and Ghasemi Aghbash, F., 2022. Investigation of litter nutrient dynamics in pure and mixed stands of beech and hornbeam (Darabkola of Mazandaran). *Iranian Journal of Forest*, 14(1): 89-103 (In Persian with English summary).
- Kooch, Y. and Parsapour, M.K., 2016. The effects of broad and needle-leaved forest covers on soil microbial indices. *Journal of Water and Soil Conservation*, 23(2): 195-210 (In Persian with English summary).
- Kooch, Y., Parsapour, M.K., Egli, M. and Moghimian, N., 2021. Forest floor and soil properties in different development stages of Oriental beech forests. *Applied Soil Ecology*, 161, p.103823.
- Lafleur, B., Fenton, N.J., Simard, M., Leduc, A., Paré, D., Valeria, O. and Bergeron, Y., 2018. Ecosystem management in paludified boreal forests: enhancing wood production, biodiversity, and carbon sequestration at the landscape level. *Forest Ecosystems*, 5: 27.
- Lee, J., Yoon, T.K., Han, S., Kim, S., Yi, M.J., Park, G.S., ... and Son, Y., 2014. Estimating the carbon dynamics of South Korean forests from 1954 to 2012. *Biogeosciences*, 11(17): 4637-4650.
- Li, Q., Yang, D., Jia, Z., Zhang, L., Zhang, Y., Feng, L., ... and Zhao, X., 2019. Changes in soil organic carbon and total nitrogen stocks along a chronosequence of *Caragana intermedia* plantations in alpine sandy land. *Ecological Engineering*, 133: 53-59.
- MacDicken, K.G., 1997. A guide to monitoring carbon storage in forestry and agroforestry projects. Forest Carbon Monitoring Program, Winrock International Institute for Agricultural Development, Arkansas, USA, 87p.
- Mahmoudi Taleghani, E., Zahedi Amiri, Gh., Adeli, E. and Sagheb-Talebi, Kh., 2007. Assessment of carbon sequestration in soil layers of managed forest. *Iranian*



- Journal of Forest and Poplar Research, 15(3): 241-252 (In Persian with English summary).
- Mo, L., Zohner, C.M., Reich, P.B., Liang, J., de Miguel, S., Nabuurs, G.J., ... and Crowther, T.W., 2023. Integrated global assessment of the natural forest carbon potential. *Nature*, 624: 92-101.
 - Olsen, S.R. and Sommers, L.E., 1982. Phosphorus: 403-430. In: Page, A.L., Miller, R.H. and Keeney, D.R. (Eds.). *Methods of Soil Analysis, Part 2: Chemical and Microbiological Properties*, Second Edition. American Society of Agronomy, Inc., Soil Science Society of America, Inc., Madison, Wisconsin, 1159p.
 - Oswalt, S.N., Brandeis, T.J. and Woodall, C.W., 2008. Contribution of dead wood to biomass and carbon stocks in the Caribbean: St. John, U.S. Virgin Islands. *Biotropica*, 40(1): 20-27.
 - Pan, Y., Birdsey, R.A., Fang, J., Houghton, R., Kauppi, P.E., Kurz, W.A., ... and Hayes, D., 2011. A large and persistent carbon sink in the world's forests. *Science*, 333(6045): 988-993.
 - Pato, M., Salehi, A., Zahedi Amiri, G. and Banj Shafiei, S.A., 2017. Soil carbon stock and its relationship with physical and chemical characteristics in soil of different land-uses in Zagros region. *Journal of Forest and Wood Product*, 69(4): 747-756 (In Persian with English summary).
 - Pedersen, L.B. and Bille-Hansen, J., 1999. A comparison of litterfall and element fluxes in even aged Norway spruce, sitka spruce and beech stands in Denmark. *Forest Ecology and Management*, 114(1): 55-70.
 - Pfeifer, M., Lefebvre, V., Turner, E., Cusack, J., Khoo, M., Chey, V.K., ... and Ewers, R.M., 2015. Deadwood biomass: an underestimated carbon stock in degraded tropical forests? *Environmental Research Letters*, 10(4): 044019.
 - Sarvazad, A., Fallah, A. and Vahedi, A.A., 2022. Changes in carbon storage of *Quercus brantii* Lindl in relation to physiographic factors of Zagros forests. *Journal of Forest Research and Development*, 8(3): 329-341 (In Persian with English summary).
 - Sun, W. and Liu, X., 2020. Review on carbon storage estimation of forest ecosystem and applications in China. *Forest Ecosystems*, 7: 4.
 - Takahashi, M., 2005. Direct estimation of carbon mass of organic layer from dry weight. *Journal of Forest Research*, 10: 239-241.
 - Takahashi, M., Ishizuka, S., Ugawa, S., Sakai, Y., Sakai, H., Ono, K., ... and Morisada, K., 2010. Carbon stock in litter, deadwood and soil in Japan's forest sector and its comparison with carbon stock in agricultural soils. *Soil Science and Plant Nutrition*, 56(1): 19-30.
 - Talebi, M., Sagheb-Talebi, Kh. and Jahanbazi, H., 2006. Site demands and some quantitative and qualitative characteristics of Persian oak (*Quercus brantii* Lindl.) in Chaharmahal & Bakhtiari Province (western Iran). *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 14(1): 79-67 (In Persian with English summary).
 - Tavankar, F., Kivi, A.R., Taheri-Abkenari, K., Lo Monaco, A., Venanzi, R. and Picchio, R., 2022. Evaluation of deadwood characteristics and carbon storage under different silvicultural treatments in a mixed broadleaves mountain forest. *Forests*, 13(2): 259.
 - Vahedi, A.A., Fallah, A. and Nazariani, N., 2023. Accumulation trend of fine woody debris volume stock in the altitudinal range of Kheiroud research forest, Iran. *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 31(3): 186-202 (In Persian with English summary).
 - Varamesh, S., Hosseini, S.M., Abdi, N. and Akbarinia, M., 2010. Increment of soil carbon sequestration due to forestation and its relation with some physical and chemical factors of soil. *Iranian Journal of Forest*, 2(1): 25-35 (In Persian with English summary).
 - Victor, A.D., Valery, N.N., Louis, Z., Davy, A.A. and Chantal, M., 2019. Carbon stocks in dead wood biomass of Savannah ecosystems in Northern Region Cameroon. *Journal of Botany Research*, 2(1): 60-70.
 - Zianis, D., Muukkonen, P., Mäkipää, R. and Mencuccini, M., 2005. Biomass and stem volume equations for tree species in Europe. *Silva Fennica Monographs*, 4: 63p.

